



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

زمان چاپ: ۱۴۰۱/۰۹/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

نقش و جایگاه برنامه ریزی شهری در حفظ محیط زیست

آذر صراطی کیش^۱، محمدرضا خادم زاده^۲، آرش نعمتی^۳

۱- کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی (A.serati91@yahoo.com)

۲- کارشناسی ارشد عمران، مدیریت ساخت (Khadem5696@gmail.com)

۳- کارشناسی ارشد شهرسازی (araashnemati@gmail.com)

چکیده

در بیشتر کشورهای در حال توسعه شهرها با مسائل و مشکلات زیست محیطی فراوانی مواجه هستند. نبود روش های صحیح جمع آوری و دفع زباله، مشکل تامین آب آشامیدنی سالم، شبکه ی جمع آوری و تصفیه فاضلاب ها، استقرار نایجای فعالیت های مزاحم، آلودگی های ناشی از وسایل نقلیه ... نمونه هایی از رایج ترین مشکلات زیست محیطی شهرها بشمار می آیند که هر یک به تنهایی میتوانند سلامت شهروندان را به خطر بی اندازند. روشن است با توجه به گستردگی و پیچیده گی مسائل زیست محیطی و پرهزینه بودن روش ها و ابزارهای مقابله با آن ها، بهترین گزینه بهره گیری از مشارکت مردمی است. یک مجموعه شهری، ترکیبی از عوامل و اجزا مختلفی است که تحت شرایط و ضوابط گوناگونی، روابط بین آنها تعریف می شود. تاثیر متقابل کالبد شهری و انسان ساکن در آن، تعیین کننده شکل شهر و رفتار شهر است. فن آوری شناخته شده و مورد استفاده برای انجام فعالیتهای، میزان شناخت از تاثیر استفاده از هر فن آوری و رعایت آن در شکل شهر اثر دارد. همچنین روابط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی حاکم بر هر جامعه در شکل شهر اثر می گذارد. بدیهی است اقلیم و سایر عوامل طبیعی نظیر ژئومورفولوژی بر شکل شهر بی تاثیر نیست. از طرفی کالبد شهری سبب می گردد تا رفتارها و فعالیتهای جاری در آن به جهتی سوق داده شود که تبدیل به عرف گردد. لذا چنین می توان نتیجه گرفت که کیفیت محیط زیست شهری را نحوه این روابط تعیین می کند و هر گونه برنامه ریزی برای بهبود این کیفیت باید مبتنی بر تفکر سیستمی و درک هرچه درست تر از اجزا و روابط سیستم باشد.

کلمات کلیدی: محیط زیست، برنامه ریزی شهری، هویت شهری

مقدمه

به وجود آمدن شهرها انقلاب عظیمی بود که در سیر زندگی اجتماعی انسان ها به وجود آمد و منشا تحول روابط انسانی گردید. امروزه رشد فزاینده شهرنشینی در دنیا و به تبع آن بالا رفتن تراکم جمعیتی و ساختمانی شهرها و همچنین بروز انقلاب صنعتی، جنبش مدرنیته و پدیده جهانی شدن موجب بروز چالش های بسیاری در زندگی شهروندان از جمله مسائل مربوط به محیط زیست شده است. توسعه شهرنشینی و افزایش جمعیت تلاش برای رفاه بیشتر و فرهنگ مصرف گرایی که سیری ناپذیر است جملگی باعث مداخله افراطی در طبیعت شدند و تعادل و توازن محیط طبیعی را برهم زدند تا بدان حد که اینک زندگی خود بشر نیز به مخاطره افتاده است. تحولات اخیر در رشد و توسعه شهرنشینی و به تبع آن رشد و توسعه کالبدی شهرها



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

مسائلی را در فضای شهر به وجود آورده که نه تنها ساکنین آن، بلکه تمام محیط زیست را در معرض عوارض ناشی از آن، مورد تهدید قرار داده است.

توجه به امر محیط زیست به خصوص در شهرها در قالب یک سیستم کارآمد مدیریتی از اهمیت ویژه برخوردار است که با برنامه ریزی مدون می تواند گام موثری را در پهنه های شهری بگذارد و برای حفاظت از زمین در عرصه های شهری گام موثری باشد. با توجه به اینکه مدیریت شهری مسئولیت اجرایی اداره شهرها را بر عهده دارد؛ در این زمینه دارای قابلیت ها و ابزارهای خاصی است که باید در راستای همگرایی با سایر مراجع ذیصلاح در یک راستا حرکت کند تا محیط زیست با چالش هایی از جمله آلودگی ها در بستر زمین، زباله، پسماند، تغییر کاربری اراضی، حاشیه شهرها، فاضلاب شهری و ایجاد و نگهداری فضای سبز شهری بتواند با برنامه ریزی و تصمیم سازی به موقع کارایی مطلوب و اثربخشی را فراهم کند و بتوانیم حافظان خوبی برای زمین پاک باشیم. فعالیت جداگانه سازمان ها و عدم هماهنگی آنها با مدیریت شهری در خصوص محیط زیست می تواند مشکلات زیادی را در این حوزه ایجاد کند و از مشکلات دیگر موجود در شهرهاست. به نظر می رسد با هماهنگی در مدیریت محیط زیست شهری و ایجاد کمیته ای مشترک با حضور سایر دستگاه های متولی و مجموعه مدیریت شهری بتوان مشکلات زیست محیطی در شهرها را کارآمدتر و موثرتر بهبود بخشید. تغییر کاربری ها و توجه نکردن به اصول توسعه شهری و طرح و الگوهای نوین آمایشی می تواند در تخریب زمین و افزایش ناکارآمدی در محیط زیست تاثیر سوء بگذارد لذا باید با هماهنگی و همگرایی بیشتر و توجه به اصول برنامه ریزی شهری و محیط زیست فرصتی به زمین پاک بدهیم تا خودپالایی کند و آرامش و آسایش برای همگان در جهت زمین پاک و محیط زیستی پایدار فراهم شود. باید ارزش زمین پاک را بدانیم، زیرا زمین تنها پیکره ای برای حیات است و به عنوان امانت برای نسل های آینده باید آن را پاک نگه داریم تا همگان در سایه آن آرامش داشته باشیم.

بیان مساله

ما برای بقای خود به محیط زیستی پاک و سالم نیاز داریم و این موضوعی دلبخواهی نیست، بلکه ضرورتی است که بیش از هر جای دیگری در شهر قابل درک است. شهر باید جای آرامش، سلامتی و شادی باشد، یا جایی که انسان فارغ از دغدغه های مادی زندگی، جنبه های معنوی وجود خود را رشد دهد. یکی از مهم ترین عوامل محیط زیست شهرها که می تواند روح انسان را ارتقا دهد و حیات مادی او را نیز تأمین سازد، طبیعت است. همان آب و هوا، نور و گیاهانی که در مقیاس کوچک در حیاط مرکزی ها، در قلب خانه های سنتی ما جای داشت و در چهار وجه خانه، به پایدارترین شکل با نیازهای ساکنان تطبیق می یافت. همان دره ها و آبراهه هایی که دانه ها، ردیف ها و خوشه هایی از جوامع کوچک روستایی را در حاشیه ای امن خود، مزرعه ها را در دشت، باغ ها را در کوهپایه و دام ها را در کوهستان جای می داد. همان رودی که زاینده ای اصفهان بود، همان کوهی که ارگ بم را در خود پناه داد، همان دره ای سبز پای البرز که تهران را به باغ شهری سرسبز و پایتختی ایمن تبدیل کرده بود. قرار بود که شهر، مرکزی برای رشد فرهنگ در بستر طبیعت و در هماهنگی با آن باشد. اما به مرکزی برای تخریب و غارت طبیعت توسط ساختمان، جاده و کارخانه تبدیل شد. شهر در تعادل با طبیعت می تواند جای تفریح، کار، اندیشیدن، رهایی و جای نزدیک شدن به خدا باشد، همان طور که قبلاً بود، به شرطی که تعادل بین انسان و طبیعت بر هم نخورد. این مهم، چندین دهه است که در رشته های مختلف مرتبط با شهر و محیط زیست، مورد توجه قرار گرفته، به طوری که از بارزترین آن ها، حوزه فعالیت های برنامه ریزی و مدیریت شهری است.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

مبانی نظری

انسان امروزی که ما نام علمی «اندیشه ورز»^۱ به آن داده ایم در واقع تنها موجود اندیشه ورز شناخته شده برای ما در کل کائنات است. این موجود دویای راست قامت، در کره ای خاکی پیدایش و تکامل یافته که زمینش می نامیم. الزامات آفرینش انسان از جمله؛ بی سرپناه بودن، فاقد وسیله دفاعی بودن، ضعف فوق العاده نوزاد وی و طولانی بودن نوزادی آن نسبت به سایر موجودات زنده از همان ابتدای امر؛ و در برابر همه اینها توانایی اندیشه و ابزارسازی، به او این امکان را داد که حرکت کند. حال این حرکت چه مراحل تکامل را داشته بماند. مهم اینکه در جریان این حرکت از مکانی به مکانی دیگر و از تباینی به تباینی دیگر دست یافت و حاصل همه اینها در یک کلام جمع شدنی است. «سیر تکامل انسان از غار تا آسمانخراش». بنابراین شناسایی مکانهای مختلف و تمیز قابل سکونت بودن یا نبودن آنها و یا دست کم مفید بودن و یا نبودن، از دیر باز یکی از اشتغالات ذهنی بشر بوده است. در این راستا علمی زاده شده که به این نیازها پاسخ دهد و آن جغرافیاست. پیدایش و تکوین هر علمی فی نفسه در جهت کاربردی^۲ و عملکردی^۳ آن بوده است. جغرافیا نیز از این قاعده مستثنی نبوده و همواره به گرایشها و شاخه های متعدد تقسیم شده و در روند هرچه تخصصی تر شدن امور در عرصه امروزی، ما حتی با واژه هایی همچون «جغرافیای جهل»، «جغرافیای جنایت»، «جغرافیای جنسیت»، «جغرافیای پزشکی» و ... مواجه می شویم. هر چه هست؛ ثمره جغرافیا یعنی شناختن زمین و محیط، چیزی نیست جز برنامه ریزی برای انتخاب مکانی بهتر و برنامه ریزی برای استفاده ای هر چه بهتر از همان مکان بهتر.

در حدود ده هزار سال پیش با وقوع انقلاب کشاورزی فصل نوینی در زندگی انسان آغاز گردید و آن یکجا نشینی و وابستگی به زمین بود. بعد بین هشت تا پنج هزار سال پیش سکونتگاههای بزرگتری توان پیدایش یافتند. تحولی دیگر به نام «مازاد مصرف» شهرها را به وجود آورد که به تبع تقسیم کار بود. در این بین بسیاری از اندیشمندان و فلاسفه، شهر را محل پیدایش تمدن دانسته و آنها را مترادف هم به کار برده اند. به تعبیری برای همیشه تاریخ، شهر عظیم ترین و عمیقترین دخالت بشر در پهنه طبیعت بوده و خواهد بود. این مسئله تا بدان حد واضح است که علیرغم اینکه کل مساحت شهرهای دنیا نسبت خیلی ناچیزی از سرزمینها را در برمی گیرد، مع الوصف انسان عملاً در تمام زوایای محیط طبیعی رسوخ نموده است. در حال حاضر روند شهر نشینی در کشورهای در حال توسعه دارای شتاب بیشتری است. گویا بشر سرنوشتی جز شهری شدن نخواهد داشت. (موریس، ۱۳۶۸، ۱۲ و درکوش، ۱۳۷۲، ۱)

شناخت محیط زیست و اهمیت آن:

محیط زیست به زبانی علمی متشکل است از نظامهای اتمسفر (که از هوا و ذرات آب و ذرات معلق تشکیل شده)، پدوسفر^۴ (زمین)، بیوسفر (قشر زیست محیطی) و هیدروسفر (آب)، (لوسانی، ۱۳۷۲، ۴). و در جایی دیگر چنین می خوانیم: محیطی که انسان، حیوانات و گیاهان در آن زندگی می کنند. اصطلاحات مرتبط [به آن] عبارتند از محیط زیست طبیعی یا مادی -

¹ Homo sapiens

² Applied

³ Functional

⁴ Pedosphere



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

شامل آب و هوا، اشکال زمین، خاکها و روئیدنیها _ و محیط زیست انسانی یا اجتماعی - شامل اثرات پدیده های ساخته بشر، نظیر شهرک ها و شهرها، نواحی صنعتی و سازمانهای اجتماعی و سیاسی.

اساساً از نظر اهمیت، هیچ چیز در جهان سوم قابل مقایسه با موضوع محیط زیست نمی باشد و آلودگی محیط زیست این کشورها نیز فقر آنهاست (ایلولان، ۱۳۷۳، ۲۴). اما حقیقتاً چه باید کرد و چگونه باید با این مقوله برخورد نمود. به نظر می رسد که در مقابل مشکلی با این اهمیت، اختیار کردن رفتاری انفعالی یا احساساتی و گریستن برای بهشت گمشده جوامع روستایی، کاری واقع گرایانه نباشد. تمدن صنعتی وجود دارد و محتوم است. تمدن مذکور واقعیتی است که عمیقاً محیط زیست و زندگانی ما را دچار تغییری بنیادی کرده است. (شوون، ۱۳۶۹، ۲). صدمات وارد شده به اموال در نتیجه اثرات زنگ زدن و خاک گرفتن به علت آلودگی هوا، نمونه ای از اتلاف منابع و نتیجه مستقیم تخریب کیفیت محیط زیست است. مواد لاستیکی طبیعی و مصنوعی در برابر اثر اوزن تجزیه می شوند. ذرات معلق سنگین مانند کربن و دوده لباس های شسته شده را کثیف می کند، بر روی شیشه پنجره ها، اتومبیل ها و حتی اشخاص می نشیند و باعث کثیفی شهرها می شود. (یونسکو، ۱۳۷۰، ۹۲). در این میان علم محیط زیست که در واقع زاده فرآیند شناخت محیط در گذشته بوده است، اینک باید به این سؤال پاسخ دهد که توسعه به طور عام و توسعه شهری به طور خاص چه جامه ای بر تن کند تا زندگی شهری، دست کم از آن بخش از مشکلات زیست محیطی که قابل اجتناب به نظر می رسند در امان بماند. در عین حال خود مقوله محیط زیست تحت تاثیر اهداف توسعه ملی و منطقه ای و فلسفه توسعه (درونزا یا برونزا؟) قرار دارد. الگوی توسعه درون زا، شهر درونزا می طلبد. شهری که ارتباط عادلانه با مناطق روستایی همجوار خود و کلاً با محیط خود داشته باشد. در اینجا بحث تخصصی تر محیط زیست شهری پیش می آید. یعنی ابتدا ارتباط شهر با محیطی که در آن مستقر است و تاثیر و تاثرات آنها برهم و آنگاه داخله خود شهر یعنی فضا و اتمسفر شهری. و تقسیم بندی دیگر مسائل شهری در ارتباط با محیط زیست مقوله توسعه و رشد و تمایز این مفاهیم است و باز رشد و توسعه در ابعاد موجود یا در تعداد موجود و چراها و چگونگی های مربوط به هریک.

لازم به یاد آوری است که حتی آن بخش از مسائل عمده زیست محیطی مثل آتش سوزی در جنگلها، تخریب جنگلها، پیشروی بیابانها، بالا آمدن آب اقیانوسها و دریاها، تخریب لایه اوزن و ... که هیچکدام به تنهایی مربوط به شهر و یا کشوری خاص نمی گردد. باز مشکلات عدیده ای هستند که معلول یک سری فعالیتها ناسنجیده در شهرهاست، ولو اینکه زنجیره علت و معلولی، گاه آنچنان طویل است که براحتی قابل پیگیری نمی باشد. نابودی جنگلها یک نمونه از نیازهای شدید جامعه شهری کنونی به فرآورده های چوبی است. در نتیجه ریه های تنفسی قسمت اعظم کره خاکی از بین رفته و نیز ریشه های نگاه دارنده خاکهای حاصلخیز و نیز مانع به جریان افتادن سیلابهای خانمان برانداز و ... استفاده از گازهای مخرب لایه اوزن در صنایع سرمازایی حاصل چیز دیگری جز شهر نشینی نیست. بارش بارانهای اسیدی، بالا رفتن درجه حرارت زمین و به ویژه شهرها و ... نمونه های دیگری از این سلسله علت و معلولی هستند.

تحلیل رابطه ای مفاهیم محیط زیست و شهر نشینی در برنامه ریزی شهری

یکی از نویسندگان در مقدمه کتاب «محیط زیست شهری» نوشته استاد دکتر شکوئی، بحران در محیط زیست شهری را «گره کور» می نامد (شکوئی، ۱۳۵۸، هشت). این گفته بهترین تعبیر در این خصوص می تواند باشد. ما نمی توانیم ادعا کنیم که مسائل عمده و جهانی زیست محیطی در سطح دنیا یا دست کم در پهنه کشورها ربطی به فلان شهر و یا حتی روستای دور افتاده ندارد. اگر اینگونه بیانیدیشیم، نقطه آغاز کج روی در مسائل شهری و زیست محیط خواهد بود. به تعبیری خلاصه و



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ساده، از جهان پهناور تا آن روستای در دل کوه وامانده، همگی شبکه ای وسیع از سیستم ها و اکو سیستم های متداخل و تو در تو می باشند. از هم تاثیر می پذیرند و برهم کنش دارند، منتهی با تفرانس زمانی و نوع و کیفیت متفاوت از هم خواهند بود. بنابر مشاهدات نوین «مردم جائیکه دیگران سکنی گزیده اند، سکونت می کنند». گرایش سراسری مردم دنیا به تجمع در کنار یکدیگر منجر به ازدیاد تراکم جمعیت بسیاری از شهرها شده است. مناطق شهری گسترش پیدا نموده و به مناطق روستایی تجاوز کرده اند. گاهی زمین حاصلخیز کشاورزی در توسعه شهر ناپدید می شود. زمین های مسطح که اکثراً شهرها در آن بنا می شوند مناسب ترین زمینها برای کشاورزی هستند. بدین طریق خاک حاصلخیز خوب در زیر ساختمانهای شهری، پیاده روهای سیمانی و جاده های آسفالت گم می شود. (یونسکو، ۱۳۷۰، ۹۲، ۹۶)

شهر نه تنها دگرگونی هایی در آب و هوای خود به وجود می آورد، بلکه گاهی خود نیز خالق آب و هوای ویژه ای می گردد. از این رو در مطالعات مربوط به محیط زیست و به هنگام برنامه ریزی شهری، آب و هوای شهرها اساس کار به شمار می آید. محیط شهر با زمینهای آسفالت هادی حرارت بوده و ظرفیت زیادی جهت ذخیره گرمایی دارد. جریان غیرقابل نفوذ شدن سطح شهر با تغییرات هیدرولوژیکی منجر به نتایج آب و هوایی می شود. شهر به سبب گسترش خود دارای مورفولوژی خاصی است. شهر در مقایسه با محیطهای روستایی یک حالت ناهمواری دارد که از سرعت باد می کاهد (شکوئی، ۱۳۵۸، ۷). یکی از جنبه های مسلم و بی چون و چرای شهرها ناپایداری اکولوژیکی آنهاست. بدین معنی که شهرها نه تنها از نظر تامین احتیاجات اساسی خود (آب، غذا، انرژی) به منابع پیرامون خود وابسته اند، بلکه روزانه مقادیر زیادی زباله، فاضلاب و دیگر پسماندهای مختلف تولید می کنند که باید به محیط اطراف بروند و دفع شوند. دفع اصولی هریک از پسماندها مستلزم صرف هزینه های هنگفت، استفاده از تکنولوژی پیشرفته و مهمتر از آن، ظرفیت یا توان طبیعت برای پذیرش پسماندهای نهایی است. (سلطانی، ۱۳۷۶، ۱۷) حال اگر بخواهیم تحلیل دو مقوله محیط زیست و شهرنشینی در قالب برنامه ریزی شهری را داشته باشیم، باید به انواع و اشکال مختلف برنامه ریزی و دیدگاههای حاکم بر برنامه ریزی های مختلف توجه کنیم. در این خصوص اساساً دو نوع شهرسازی یا برنامه ریزی شهری متصور است. روش اول توجهش به کالبد شهر است که اصطلاحاً شهرسازی فیزیکی نامیده میشود. روش دوم که ظاهراً حاوی منطقی قویتر است همواره خواستار تخصیص امکانات به طور منطقی به کمبودهای شناخته شده می باشد. در این دیدگاه، محیط شهری مسئله ای اساسی است که بایستی بدان توجه شود. و از همین جاست که موضوع تفکر سرزمینی یا منطقه ای در برنامه ریزی به لحاظ تاثیرات متقابل شهر و حوزه آن و مجتمع های زیستی دیگر، اولویت می یابد و برخورد سیستمی در برنامه ریزی و طراحی شهری و منطقه ای را مطرح می سازد (حسین زاده دلیر، ۱۳۷۰، ۱). از دیگر تقسیم بندیهای برنامه ریزی که تاثیر عمیقی بر مسائل زیست محیطی داشته است، برنامه ریزی بخشی را باید عنوان نمود که از خصیصه های عمده کشورهای در حال توسعه و منجمله ایران است. برنامه ریزی به روش متمرکز از نظر سرزمینی نیز از دیگر انواع برنامه ریزی است که رابطه مستقیم با مسایل زیست محیطی دارد. هرچه هست، مفاهیم محیط زیست و شهرنشینی را نمی توان به طور جزمی و تجریدی در قالب برنامه ریزی شهری تحلیل واقع بینانه نمود. عدم رعایت سلسله مراتب برنامه ریزی فضایی و یا هرگونه نقص در برنامه ریزیهای ملی و منطقه ای، تاثیرات قطعی خود را در برنامه های محلی برجای خواهند گذاشت. مجموع تمامی اینها می تواند چنین خلاصه گردد که ما در برابر مسأله محیط زیست باید از برنامه ریزی فعال استفاده نماییم، بکار بردن برنامه ریزی انفعالی و اتخاذ تصمیم های موضعی نتیجه ای جز از هم گسیختگی تمامیت برنامه ها نخواهد داشت.

نقش و جایگاه طبیعت و محیط زیست



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

از جمله مسایلی که پدیده شهر را در ایران با معضلات متعدد مطرح می سازد، بستر طبیعی و جغرافیایی یا بهتر بگوییم؛ بیموکلیما، توپوگرافی و فنولوژی رویش طبیعی می باشد. در اینجا ضمن اینکه نمی توان منکر روند شتابان و ناگزیر شهر نشینی باشیم، بر این نکته نیز باید اذعان نمود که سرزمین ما ایران برای شیوه تولید کوچ نشینی کاملاً مهیا و مناسبتر است و به همین دلیل هم ظهور شهر در بستر طبیعی ایران شاید اثرات زیست شناختی وسیعتر و عمیقتری داشته باشد و محیط در برابر آن شکننده تر عمل نماید(بهرام سلطانی، ۱۳۰، ۱۳۷۱). مسأله دیگر خود مفهوم شهر نشینی است. این شهر نشینی که در حال حاضر در آن هستیم، در واقع اقتباس بسیار ناسنجیده و ناقص از اصل اروپایی و آمریکایی آن است. متأسفانه در کشورهای در حال توسعه، شهر و شهرنشینی در نتیجه عملکردهای استعماری مفهوم واقعی و بومی خود را از دست داده و از نسخه ای قطعی و یکنواخت تبعیت نموده است. مطابق تعریف اولیه از جغرافیا که آن را علم تباینات فضایی (گنجی، ۱۳۷۲، ۸) قلمداد می کند، شهر در مکانهایی کاملاً متفاوت ظهور می کند و لازمه سالم بودن و موفق بودن آن نه در تبعیت صرف از محیط - که جبر جغرافیایی را القا می کند- بلکه دست کم در ملحوظ نمودن شرایط محیطی نهفته است. شهر وقتی درونزا، خودکفا و سالم است که متکی بر منابع پیرامون خود بوده و رابطه آن با این منابع نیز رابطه ای منطقی باشد و نه غارتگرانه! در مجموع این ملاحظات اکولوژیکی به تفاوت در تکنولوژیهای ساخت و بافت کالبدی و اجتماعی شهرها به طور یکجا نظر دارد.

در مفهوم خاص شهرنشینی، به لحاظ محدودیت خاص اکولوژیکی و ساختار اجتماعی ویژه ای که نظام شاهی نام گرفته است، ما در ایران تا حدود سه چهار دهه اخیر شهرسازی آگاهانه یا به عبارتی شهرسازی عملی نداشته ایم. برعکس در نیمه دیگر که همان معماری مینور یا معماری خرد باشد، به اوج کمال دست یافته ایم و مصادیق آن همان سرایهای شاهانه و قبور ملوکانه می باشد. تحولی هم که در سالهای ۱۳۴۰ به بعد و در روند تشدید شهرنشینی انجام گردید بیشتر ناشی از مقاصد کشورهای بیگانه بوده است.

همچنانکه پیشتر نیز اشاره گردید، در بررسیهای طبیعی و جغرافیایی، شناخت طبیعی شهر ونواحی اطراف آن و تاثیراتی که می تواند این پدیده بر کالبد فیزیکی شهر بگذارد، مورد مطالعه واقع می شود. بدیهی است که نقش این مسایل در کالبد فیزیکی شهر و دوران زندگی روزمره و دیگر عوامل فیزیولوژیکی، روانی و روحی مردم از اهمیت ویژه ای برخوردار است. (شیعه، ۱۳۷۱، ۱۱۰). متأسفانه گذشته از طرحهای بالادست و اساساً فراشهری - که موضوع این مقاله نیست- در برنامه ریزیهای شهری به طور عام و در طرح ریزیهای شهری به طور خاص هیچ توجهی به مسأله محیط زیست صورت نگرفته است. در موارد نادری هم که اشاره ای نارسا به مسأله شده است تنها جنبه شماتیک و کلی و کلیشه ای داشته و عملاً برای تزئین طرحها مورد استفاده قرار گرفته است.

از تصویب اولین قانون شهرسازی در مجلسین در سال ۱۳۱۲ تا سال ۱۳۴۳ که وزارت آبادانی و مسکن تاسیس گردید و نیز ایجاد شورای عالی شهرسازی در همین سال و تصویب نخستین طرح جامع شهری (بندر لنگه در سال ۱۳۴۶)، تا هم اکنون که طرحهای جامع شهری برای شهرهای موجود و عموماً به سرعت در حال رشد- نه توسعه! تهیه می گردند، همه در حال برنامه ریزی انفعالی و شهرسازی به روش «وصله کاریهای ناموزون» هستیم. علی رغم تغییرات ظاهری که از سال ۱۳۶۸ در این طرحها داده شده و اسم آنها به «طرح توسعه و عمران شهر و حوزه نفوذ آن» تبدیل گردیده - که البته هدف از این کار ملحوظ داشتن بستر طبیعی و اقلیم پیرامون شهرها بوده است - ولی همچنان به صورت کلیشه ای و دور از واقعیات موجود با آنها برخورد می شود. و شاید این خود ناشی از سیستم مهندسین مشاور معماری و شهرسازی! باشد. باز شاید اگر عنوان اینها را هم



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

تغییر می دادیم به «مهندسين مشاور شهرسازی و معماری» اندکی از مشکلات فعلی کاسته می شد. منجمله اینکه حداقل شهر را با ساختمان اشتباه نمی گرفتیم!

در شرح خدمات انجام مطالعات و تهیه طرحها و برنامه های توسعه و عمران شهر و حوزه نفوذ آن، تنها در بند (۱-۱) به مطالعه مسائل جغرافیایی و اقلیمی منطقه اشاره شده و در بند (۱-۲) در مورد حوزه نفوذ شهر تکرار شده است. در بند (۲-۲) به مطالعه منابع طبیعی - جنگلها، مراتع، معادن، منابع آب و غیره - پرداخته است که در ادامه در هیچ یک از مراحل برنامه تهیه طرح ردپایی از خود موارد فوق الذکر و یا حداقل اثرات آن به چشم نمی خورد و در واقع بدون اینکه استفاده ای از این مطالعات - بر فرض درست انجام شدن مطالعات - بشود، رها گردیده اند. (حسین زاده دلیر، ۹۸، ۱۳۷۰). به غیر از طرح جامع، در قرارداد تیپ تهیه طرحهای هادی شهرها نیز به این نواقص بر می خوریم. در سراسر متن این شرح خدمات که برای مشاور تهیه شده است، هیچگونه اشاره ای به مسائل زیست محیطی نشده و حتی کلمه ای مترادف آن نیز یافت نمی شود. تنها در بند (۳،۳) به بررسی وضعیت جغرافیایی و اقلیمی شهر از قبیل آب و هوا و تغییرات درجه حرارت و رطوبت و باد و باران اشاره گردید که واقعاً معلوم نیست کاربرد آنها در کلیت طرح و پروسه برنامه ریزی شهری چیست (استانداردی آذربایجان شرقی، بی تا، ۲۸).

از برنامه ریزی برای شهرهای موجود که بگذریم در حیطه برنامه ریزیهای شهری اجرایی نیز که عبارتند از: طرحهای شهرک سازی، آماده سازی و شهرهای جدید، اشاره ای به مسایل زیست محیطی نشده و تنها به بیان مختصری در مورد فضای سبز اکتفا شده است و آن هم از جهت نما! و چنین برمی آید که منظور فقط کالبد شهر باشد نه روح شاداب و پرتراوت شهری. مواردی که در مورد نارسایی طرحهای مختلف شهری عنوان گردید گویای این واقعیت است که طرحهای بالا سری آنها نیز خود دارای اشکالات اساسی بوده و اساساً در ایران حلقه اتصال بین برنامه های کلان و برنامه های خرد یا وجود خارجی ندارد یا خیلی کمرنگ ظاهر شده است. به عنوان ناظری بر این ادعا می توان نگاهی به برنامه دوم پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نمود:

بند ۱۰) از خط مشیهای اساسی قانون تحت عنوان «حفظ محیط زیست و استفاده بهینه از منابع طبیعی کشور».

تبصره ۸۱- قانون تحت عنوان «حفظ، احیا، توسعه و بهره برداری از منابع طبیعی».

تبصره ۸۲- قانون تحت عنوان «لزوم انجام فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی با رعایت ملاحظات زیست محیطی».

تبصره ۸۳- قانون تحت عنوان «جلوگیری و رفع آلودگی منابع آب». (اداره کل قوانین، ۱۳۷۳، ۲۳، ۱۳۲).

در حیطه مدیریت شهری نیز مشاهده می شود، علیرغم اینکه به موجب ماده ۴ اصلاحی قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی مصوب ۱۳۵۳/۴/۱۶ رییس سازمان حفاظت محیط زیست نیز در شورایی عالی شهرسازی و معماری ایران عضویت دارد، مع الوصف این حضور در شرح وظایف این شورا نمود عینی ندارد و باز تنها با عبارت فضای سبز در بند (۲) این وظایف مواجه هستیم (اداره کل قوانین و مقررات کشور، ۱۳۷۰، ۸۲). در عرصه مدیریت شهری همچنین مشاهده می شود که عمده ترین وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی عبارتند از وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت کشور و سازمان برنامه و بودجه، عملاً دارای پست های سیاسی مملکتی هستند و اصولاً در سیاست گذاریهای کلی کشور دخالت دارند، این در حالی است که رییس سازمان حفاظت محیط زیست که یکی دیگر از معاونان ریاست جمهوری است در این ردیف تعریف نشده است. این امر به سیاسی شدن قوانین زیست محیطی انجامیده است.

جایگاه محیط زیست در قوانین و برنامه ریزی شهری



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

اصولاً در هیچ نوع از برنامه ریزی نمی توان و نباید از روش فکری استقرایی استفاده کرد. استقرا تنها به درد تحقیق و تحلیل واقعیتها می خورد. وقتی وضع موجود با توجه به گذشته، به درستی ترسیم و تعریف گردید، آنگاه به روش قیاسی برای آینده آن وضع موجود باید برنامه ریزی کرد. باید توجه داشت که نوع به کاربردن این روشهای فکری نیز در خصوص هریک از گونه های برنامه ریزی برای شهر موجود و برنامه ریزی برای شهری جدید تفاوتهایی خواهد داشت. حال برای بدست دادن الگویی کاربردی در این زمینه شق دوم برنامه ریزی را دستاویز قرار داده و با استفاده از تعریفی از محیط زیست مطلوب شهری به ترسیم خطوط نمادین این شهر فرضی می پردازیم: محیط زیست مطلوب شهری، محیطی است که همه نیازهای مادی و معنوی جامعه را برآورده سازد. به انسان شهری آرامش و آسایش بخشد تا فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی جامعه شهری در همه زوایای شهر به راحتی امکان پذیر گردد. (شکوئی، ۱۳۵۸، ۱۷۰).

تدوین راهبردهای کلان برای مدیریت شهری محیطزیستی

دستیابی به شهرهایی با کیفیت بهتر محیطزیستی و ارتباط بیشتر و ساده تر آنها با طبیعت، مستلزم این است که مفاهیم و نگرش های اکولوژیک مورد بحث در این مقاله به طور واقعی و عملی به حوزه ی برنامه ریزی و مدیریت شهری وارد شود. بدیهی است که رسیدن به این هدف، یعنی حرکت از سطح مفهوم و معنی به عنوان سطوح ذهنی برنامه ریزی به سوی عمل و اقدام یعنی سطوح عینی و اجرایی مدیریت شهری فرایندی چندین مرحله ای و چندزمانی است. چنین فرایندی، خود مستلزم برنامه ریزی های مدون در کل نظام برنامه ریزی فضایی و کالبدی کشور و همچنین در سازمان های مرتبط با مدیریت شهری است. تحول مدیریت شهری به یک مدیریت محیطزیستی، شامل تدوین خط مشی ها و اهداف سازمان با رویکردهای محیطزیستی، تهیه ی طرح ها و برنامه ها، برقراری معیارها و قوانین محیطزیستی، ایجاد هماهنگی های میان رشته ای و چندرشته ای، اقدام و عمل و کنترل و بازنگری است (جی. بارو، ۱۳۸۰). چنین روندی در یک نگاه کلی، در مراحل تعریف محیطزیستی شهر، رویکردها و اصول عمومی برنامه ریزی محیطزیستی شهری، ماهیت محیطزیستی مسائل شهرها، اهداف محیطزیستی و فرایند کلی برنامه ریزی محیطزیستی شهری برای رفع آنها توضیح داده می شود. همچنین به برخی راهبردهای کلان برای برنامه ریزی و مدیریت محیطزیستی شهرها اشاره می شود. این توضیحات می تواند به عنوان مقدمه ای برای تدوین خط مشی ها و برنامه های مدیریت شهری محیطزیستی در سازمان های مختلف کشور مورد توجه قرار گیرد.

محیطزیست شهری

برنامه ریزی مدرن تا اوایل قرن ۲۰، برخی از نیازهای محیطزیستی شهرها را مورد توجه قرار داده بود. در طی چندین دهه بعد از آن، برنامه ریزان با توجه کردن به مقیاس محلی سعی کردند دسترسی به نور خورشید، جداسازی کاربری های متضاد، خروج مکان های صنعتی از مناطق مسکونی و کنترل ترافیک از محلات را محقق سازند. ولی دولت های ملی و محلی تا اوایل ۱۹۷۰، توجه خاصی به شرایط محیطزیست نداشتند. (Miller D. and de Roo, 204:1) با رشد دیدگاه های اکولوژیک نسبت به شهر، شهرها دوباره به عنوان محیط های زیست طبیعی که همچون خود انسان ها بخشی از طبیعت هستند، درک شدند. این به همراه آشکار شدن معضلات محیطزیست شهرها بعد از دهه ی ۱۹۶۰، باعث شکل گیری عبارت محیطزیست شهری شد. اگرچه هم شهر و هم محیطزیست، انواع محیط های طبیعی، اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی را شامل می شوند، ولی بررسی ادبیات مربوط به آن نشان می دهد که مفهوم اصلی محیطزیست شهری بر پیوند دوباره شهر با طبیعت تمرکز دارد. از این پس، تلاش های فعالان و سیاست گذاران توسعه ی شهر با طبیعت تمرکز دارد. از این پس، تلاش های فعالان و



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

سیاست‌گذاران توسعه‌ی شهری برای پیوند توسعه‌های شهری و محیط‌زیست طبیعی با هدف بهبود سیستم‌های طبیعی تخریب شده در شهرها طی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ سرعت گرفت (فریادی، ۱۳۸۷).

رویکردهای توسعه‌ی پایدار شهری

هدف توسعه‌ی پایدار، رشدی اقتصادی است که از نظر اجتماعی و زیست محیطی پایدار باشد و بین اقتصاد و اکولوژی تعادل برقرار کند. دو مفهوم عمده زیست محیطی بر تفکرات معاصر توسعه پایدار اثر گذاشته است. یکی مفهوم خدمات زیست محیطی، یعنی عملکردهای سودمند (مثل حفظ الگوهای جریان آب) که توسط نواحی طبیعی ایجاد می‌شود. دیگری مفهوم جدیدتر تنوع زیستی است، یعنی طیف کامل تنوع ژنتیکی (رستنی‌ها، جانوران و جوامع) و اکوسیستم‌ها (که در آن، گیاهان و جانوران زندگی می‌کنند). فعل و انفعالات توسعه‌ی پایدار با توجهات خاص به محیط‌زیست باید به گونه‌ای باشد که تنوع زیستی و خدمات زیست محیطی را حفظ کند (گادزاک، کایسر و چیپین، ۱۹۹۵: ۲۰۷). تا به حال اهداف متعدد مشابهی با عبارت‌هایی مثل شهرهای سالم، شهرهای اکولوژیک، و جوامع اکولوژیک بیان شده است که همگی بر وابستگی فیزیکی سیستم‌های شهری به خدمات محیط‌زیستی تأمین شده توسط جهان طبیعی تأکید دارند. این رویکردها همچنین اهداف اجتماعی مثل سلامتی انسان، اشتغال و کیفیت زندگی را نیز به مجموعه اهداف خود افزودند. به همین ترتیب ایده‌های متعدد توسعه‌ی پایدار شهری، مدل شهرهای فشرده، دهکده‌ی شهری، شهرگرایی جدید، شامل پیشنهاد‌های توسعه براساس سیستم حمل و نقل و توسعه‌ی محلات سنتی، و به دنبال آن، ایده‌ی رشد هوشمند که بر مبنای تجربه‌های شهرنشینی جدید تکامل یافت و بسیاری دیگر نیز همگی همین نوع توسعه را حمایت می‌کنند. مطالعات انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد که انواع این ایده‌ها، چندین اصل و معیار مشترک به شرح زیر را برای سازماندهی شهرها در جهت پایداری پیشنهاد می‌کنند. (یگانه کیا، آهنی و فریادی، ۱۳۸۹)

اصول شهرسازی سبز

روند رشد ایده‌های توسعه پایدار شهری همچنان ادامه دارد. زیرا این باور که شهرها باید محیط‌زیستی سالم‌تر باشند و مردمانی که در آن زیست می‌کنند نیز شادتر باشند، به یک واقعیت غیرقابل تردید تبدیل شده است. در دهه‌ی اخیر، ایده‌ی شهرسازی سبز نیز در ادامه‌ی همین روند، بسط یافته و با توجه به مجموع عملکردها، فرایندها و عناصر شهری تشکیل دهنده‌ی شهر و فعالیت‌های شهری، چندین هدف کلی را برای توسعه‌ی پایدار شهری به شرح زیر پیشنهاد می‌کند (Lehmann, 2010: 212-213). این اهداف از یک سو کلی است و از سوی دیگر بر جنبه‌های محلی تأکید دارد، و برای همین می‌تواند در چهارچوب مدیریت شهری ایران نیز به کار گرفته شوند.

ماهیت مسائل محیط‌زیست شهری

در طی زندگی مدرن شهری یاد گرفته‌ایم که به مقدار زیادی از انواع منابع طبیعی استفاده کنیم و یا به نابودی برخی موجودات مثل حشرات بپردازیم، و در این فرایند، مواد زائد (۱۳) تولید کنیم. معادل فنی مواد زائد «مانده» به معنی مواردی است که از مصرف مواد تولید شده باقی می‌ماند که شامل تمامی انواع مواد باقیمانده و دوباره مصرف نشده حاصل از فعالیت‌های ما است، نه فقط آنچه به عنوان زباله می‌شناسیم؛ بنابراین تمامی آلاینده‌های هوا، تمامی آلاینده‌های آب و خاک را نیز شامل می‌شود، حتی شامل تخریب‌های جنگل‌ها و درختان که دیگر به شکل مفید اولیه جایگزین نمی‌شود یا وقتی که زمین سبزی را با ساختمان پر می‌کنیم، آن نیز از نظر بازتولید نشدن فضاهای سبز می‌تواند تولید کننده‌ی مواد باقیمانده



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

محسوب شود. تلاش ما در جهت پایداری شهر این است که میزان کمتری از این مواد تولید کنیم و مصرفی را برای آنچه تولید می‌کنیم نیز به وجود آوریم. در این حین، مواد زائد در جایی جمع می‌شوند، و فضاهایی را در مکان‌های مختلف اشغال می‌کنند که به آن جاذب گفته می‌شود. (White, 2002: 8-10).

هدف برنامه‌ریزی و مدیریت محیط‌زیست شهری

با توجه به مجموع مباحث و مسائل فوق و در نظر گرفتن شهر به عنوان یک اکوسیستم شامل تعاملات انسان و محیط‌زیست، برنامه‌ریزی محیط‌زیست شهری به عنوان فعالیتی با هدف تشخیص رابطه‌ی بده‌وبستان بین شهر و بستر اکولوژیک آن و ایجاد تعادل اکولوژیک در این رابطه تعریف می‌شود. (Thomas, 2003: 109) این تعریف به طور ساده‌تر، هماهنگ‌سازی فعالیت‌های شهری با چرخه‌ها و ویژگی‌ها اکولوژیک اکوسیستم، و به طور خلاصه ایجاد شهر اکولوژیک را مطرح می‌سازد.

فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت محیط‌زیست شهری

ما به یک رویکرد اکولوژیک برای برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت شهری نیاز داریم. وایت (۲۰۰۲)، معتقد است که ابزارهای فنی برای ایجاد تعادل اکولوژیک در شهر وجود دارد، به شرطی که ابزارهای سیاسی آن هم ایجاد شود. مسئولیت عمومی برای ایجاد آن ابزارها با سیاستمداران و برنامه‌ریزان شهری و مسلماً حمایت آن‌ها توسط بقیه‌ی افراد جامعه است که نقش عملی در تحولات شهرها دارند. وایت، سه مفهوم متابولیسم، پاتولوژی و سلامتی را با همان فرض که شهر نیز یک ارگانیسم زنده و در تعامل با سایر سیستم‌ها و اجزاء اکوسیستم قرار دارد، به عنوان ابزارهای فنی موردنظر معرفی می‌کند. (White, 2002: 27).

نتیجه‌گیری

امروز ما بیشتر از علوم محض، به علم برنامه‌ریزی جامع نیاز داریم، تا بتوانیم از داشته‌هایمان بهتر بهره‌برگیریم. اگر بخواهیم موارد نقض ملاحظات زیست محیطی را تک تک برشماریم، بی‌گمان به تحقیقی وسیع‌تر نیاز خواهیم داشت. لیکن در حد مثالهایی برای تصویر نمودن وضع موجود به مواردی اشاره می‌گردد. اصولاً قوانین و ضوابط در این زمینه نارسا و به عبارتی کهنه و نابهنگام بوده، چنانکه برای آلوده کردن محیط یک رودخانه شهری پرداخت مبلغی بسیار ناچیز از طرف کارخانه چرم‌سازی هیچ عامل ممانعت‌کننده‌ای به شمار نمی‌رود. شبکه ترافیکی شهرها که خود محصول مشترک برنامه‌ریزیهای فیزیکی نادرست و سیاستهای حمل و نقل شهری است با تفکرات وارداتی و تشویقی انواع خودروهای سواری درهم آمیخته و معجونی مهلک بدست می‌دهند. کاربریهای زیست محیطی شهرها نکته دیگر در این خصوص است. دخالت معیارهای زیست محیطی در طرحهای شهری چنان به هیچ انگاشته می‌شوند که هر جا زمینی بدقواره و به درد نخور برای مصارف پرسود شهری باقی می‌ماند- حال در هر جای نامربوطی از شهر هم که شده باشد- به فضای سبز (چمن) اختصاص می‌یابد. این مسئله عموماً تحت تاثیر کار کردهای اقتصادی بوده و اینکه ارزش زمینهای شهری بسیار بیشتر از آن است که زیر کاشت انواع گل و گیاه و درخت برود. و بدین سان تنها تعدیل‌کنندگان محیط شهری یعنی پارکها (بوستانها) و فضاهای سبز و باغهای اطراف شهرها در مقابل آلاینده‌های بیشماری چون کارخانجات، اتومبیل‌ها، تاسیسات گرمایشی و ... مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند!

از دیگر موارد قابل ذکر در این مقاله، پروسه شهرنشینی در ایران و ندادن مجال ظهور به فرآیندشهرگرایی بوده است. تشدید روند شهرنشینی از دهه ۴۰ به این طرف تمام جوانب و زوایای بحث در روی محیط‌های شهری را شدیداً تحت الشعاع خود قرار داد. موج مهاجرتهای گسترده خود عاملی در برهم زدن انگاره‌های ساختار فرهنگی و اجتماعی شهرها بوده و این واقعیت را به ما می‌رساند که در ایران قسمت اعظم مسایل زیست محیطی، ریشه‌های اجتماعی دارند. تسریع روند مصرف



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

گرایی و به تعبیری انقلاب در استفاده از اقلام متشابه کالاهای مصرفی به ویژه اتومبیل از ارکان برهم زننده های تعادل زیست محیطی در شهرها به شمار می رود. نبودن کنترل های اجتماعی در خصوص مسائل زیست محیطی و جا نیافتادن واقعی مفهوم «آب را گل نکنیم» در میان اقشار مختلف مردم، از همگانی نبودن و به میان توده شهروندان کشیده نشدن این مسأله حکایت دارد. اهمیت موضوع بایستی چنان همه گیر و عمومی گردد تا در ایران نیز شاهد تشکلهای آزاد زیست محیطی باشیم، تا شاید در مواقع عدم احساس مسؤولیت - یا نتوانستن احساس مسؤولیت - سازمانهای متولی امر محیط زیست اینها به کار آیند.

از خواننده محترم سؤال می گردد که کدام نهاد یا سازمان این همه "بایدها و نبایدها" را باید جامه عمل بپوشاند. سیاستهای حفاظت محیط زیست در زمینه برنامه ریزی شهری باید ابتدا در قالب سیاستهای زیست محیطی حاکم بر توسعه ملی تعریف شده باشند. در غیر این صورت تعریف محیط زیست در برنامه ریزی شهری چه مفهومی خواهد داشت؟ این کارکردها در شهر نباید به حفاظت فیزیکی از عوامل طبیعی محدود گردد. امروزه تاثیر شدید فضاهای ناسالم از نظر زیست محیطی در فضاهای اجتماعی و به بیانی دیگر در محیط زیست اجتماعی آشکار گردیده است. در جهت هرچه سیستمی کردن برخورد با مقوله، باید برنامه ریزی شهری و روستایی را همگام با هم به انجام رسانیم تا با ملاحظات اقتصادی، اجتماعی تاثیر گذار بر رشد و توسعه این کانونهای سکونتی از بروز مشکلات زیست محیطی جلوگیری به عمل آید.

هر چه هست، انسان شهر را به وجود آورد تا به تمایلات راحت طلبی و رفاه طلبی خود پاسخ دهد. بنابراین ظاهراً انسان نباید دچار اشتباه شده و هدف اولیه خود را به دست فراموشی بسپارد. شهرهای ما باید راحت، تمیز، امن و موجد آرامش باشند. ضرب المثلی که در مورد قایق نشسته زده اند، دقیقاً در مورد نوع رفتار ما با محیط زیستمان صادق است. کمی دقت لازم است تا دریابیم که همان قایقی را سوراخ می کنیم که در آن نشسته ایم.

از نظر ملاحظات اقتصادی هم که شده باشد - اگر چه منطقی نیست - باید محیط زیست شهرها را جدی بگیریم، چون قرار است هم خود و هم آیندگان ما در آنها بسر برند. نباید از یاد ببریم که کره خاکی ما یک اکوسیستم واحد بسته است - صرفتظر از انرژی خورشیدی - و تاکنون نیز هیچ نوع تکنولوژی برای حذف کامل آلودگی های مختلف شناخته نشده است. در واقع ما جایی را برای پنهان کردن و بی اثر کردن آلاینده ها نداریم، پس منطبق حکم می کند در حد امکان توجه خود را به عدم تولید آلودگی معطوف سازیم تا معدوم ساختن آن.

راه گشایی احتمالی معضلات زیست محیطی شهرها در تجدید نظر در انواع، روشها و سطوح مختلف برنامه ریزی های سرزمینی و به ویژه در پیش زمینه های ایدئولوژیکی تفکرات برنامه ریزی نهفته است. محیط زیست باید به عنوان محوری بخشی، در تمام برنامه ها حضور فعال داشته و برنامه های مختلف را رنگ و بوی زیست محیطی ببخشد. این مهم در قالب مفاهیمی چون توسعه درونزا بایستی عینیت یابد. چون همانگونه که ملاحظه گردید، ریشه تمامی مشکلات در مسخ فرهنگ برنامه ریزی دویده است.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

منابع

- ۱) اداره کل قوانین و مقررات کشور. (۱۳۷۰)، مجموعه قوانین و مقررات مربوط به مسکن - تملک آپارتمان - موجر و مستأجر، اداره کل قوانین و مقررات کشور، تهران، چاپ اول.
- ۲) اداره کل قوانین. (۱۳۷۳)، قانون برنامه پنجساله دوم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران،
- ۳) بارو، کریستوفر جی. (۱۳۸۰)، اصول و روش‌های مدیریت زیست محیطی؛ مترجم: مهرداد اندرودی، تهران: نشر کنگره.
- ۴) بهرام سلطانی، کامبیز. (۱۳۷۱)، محیط زیست - مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران، چاپ اول.
- ۵) بهرام سلطانی، کامبیز. (۱۳۷۴)، کاربرد معیارهای آسایش صوتی در برنامه ریزی و طراحی شهری، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران، چاپ اول.
- ۶) حسین زاده دلیر، کریم. (۱۳۷۰)، شهرهای ایران و طرح‌های جامع، جزوه درسی، دانشگاه تبریز. ف ۸۵۰۱۱۰۱
- ۷) سلطانی، محمود. (۱۳۷۶)، مدیریت زیست محیطی شهرها، مجموعه خلاصه مقالات سمینار بین المللی شهرها و مردم، تبریز ۶-۸ آبان.
- ۸) شکویی، حسین. (۱۳۵۸)، محیط زیست شهری، موسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی، تبریز.
- ۹) شوون، پل. (۱۳۶۹)، آلودگی هوا، ترجمه کریم کوشا، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، چاپ اول.
- ۱۰) شیعه، اسماعیل. (۱۳۷۰)، مقدمه ای بر مبانی برنامه ریزی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، چاپ دوم.
- ۱۱) عابدین درکوش، سعید. (۱۳۷۲)، درآمدی به اقتصاد شهری، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، چاپ دوم.
- ۱۲) فریادی، شهرزاد (۱۳۸۴)، «روش‌شناسی برنامه‌ریزی محیط‌زیستی محلی با مشارکت مردم، به شکل یک سیستم مدیریت محیط‌زیست»؛ مجله‌ی محیط‌شناسی، ۳۱ (۳۷)، ۱۴-۲۵.
- ۱۳) فریادی، شهرزاد (۱۳۸۷)، محیط‌زیست شهری؛ سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های وزارت کشور در دانشنامه مدیریت شهری و روستایی (ص. ۶۸۵-۶۸۹). تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری و وزارت کشور.
- ۱۴) گادزساک، دیوید آر، کایسر، ادوارد جی. چپین، استوارت اف (۱۳۹۳)، برنامه‌ریزی کاربری زمین شهری؛ مترجم: دکتر منوچهر طبیبیان، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۵) گنجی، محمد حسن. (۱۳۷۲)، سرگشتگی در تعریف، در مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره مسلسل ۳۵.
- ۱۶) لواسانی، احمد. (۱۳۷۲)، کنفرانس بین المللی محیط زیست در ریو، چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران
- ۱۷) لولان، ایو. (۱۳۷۳)، جهان سوم و محیط زیست، ترجمه منوچهر فیروز عسگری، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد
- ۱۸) مزینی، منوچهر. (۱۳۷۴)، مدیریت شهری و روستایی در ایران - مشکلات و امکانات آن، وزارت مسکن و شهرسازی و سازمان ملی زمین و مسکن، تهران، چاپ اول.
- ۱۹) مشهدیزاده دهقانی، ناصر. (۱۳۷۳)، تحلیلی از ویژگی‌های برنامه ریزی شهری در ایران، دانشگاه علم و صنعت ایران
- ۲۰) موریس، جیمز. (۱۳۶۸)، تاریخ شکل شهر، ترجمه راضیه رضازاده، دانشگاه علم و صنعت ایران، واحد جهاد دانشگاهی
- ۲۱) یگانه کیا، زینب، آهنی، منیره و فریادی، شهرزاد (۱۳۸۹)، «آزمون قابلیت کاربرد الگوهای توسعه پایدار شهری در محلات شهر تهران مطالعه موردی ده ونک»؛ مجله‌ی محیط شناسی، ۳۶ (ویژه‌نامه‌ی برنامه‌ریزی و مدیریت محیط‌زیست)، ۴۱-۴۸.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



۲۲) یونسکو، بخش آموزش علمی فنی و حرفه ای. (۱۳۷۰)، آموزش بین المللی محیط زیست- تاریخچه - پایه و روشهای آموزشی آن، ترجمه فیروزه برومند، تهران، چاپ اول.

- 23) Small, I and Witherick, M. (1990) A Modern Dictionary of Geography. Second edition published 1989. Reprinted 1990. Publisher : Edward Arnold.
- 24) Thomas, R. (2003), Sustainable urban design: an environmental approach. London: Spon press
- 25) White, R. R. (2002), Building the ecological city. Boca Raton, Boston: DRC Press.
- 26) Miller D. and de Roo, G. (2004), Integrating Environmental Quality Improvement and City Planning. In: